

Investigating the Causes of Insecurity in Iraq based on the Haggett Model and its Impact on Relations with Iran

10.30495/PIR.2022.1952773.3458

Jahanbakhsh Moradi¹, Nosratollah Heidari²

Received: 2022/02/02
Accepted: 2022/06/05

Research Article

Abstract

Iraq is made up of borders that have been constantly shaken and faced with security challenges in less than a century since its formal and new formation. Acknowledging the positive and negative impact of geographical factors, in this study, the aim was to answer the question: what role did geographical factors play in creating insecurity in Iraq and its impact on relations with Iran? In this regard, using the 12-point model of Peter Haggett, an attempt was made to answer the above question, and the research hypothesis was that almost all factors of insecurity in Iraq and the causes of stable and unstable tensions in relations with Iran have geographical and geopolitical nature and many of the factors of the Haggett model apply in this case. The result was that although the Shiites are currently in power in Iraq, the ongoing tensions in Iran-Iraq relations are largely geographical and geopolitical in nature that this issue multiplies the need for Iranian foreign policy makers to pay attention to these factors. The research method is descriptive-analytical and the required information and data have been collected based on the library and filing method.

Keywords: Iraq, Insecurity; Haggett model; Geopolitics; Iran; Geographical factors

Moradi, J. & Heidari, N. (2022). Investigating the Causes of Insecurity in Iraq based on the Haggett Model and its Impact on Relations with Iran. *International And Political Research Quarterly*, 14(50), pp. 35-54.

¹ Member of Political Science Faculty, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran (**Corresponding Author**)
Jmoradi7877@yahoo.com

² Member of Political Science Faculty, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran, nosratheidari@gmail.com



بررسی عوامل ناامنی در عراق بر اساس مدل هاگت و تأثیر آن بر روابط با ایران

10.30495/PIR.2022.1952773.3458

جهانبخش مرادی^۱، نصرت اله حیدری^۲

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

چکیده

کشور عراق، از مرزهایی تشکیل شده که در طول کمتر از یک قرن از شکل‌گیری این کشور به شکل رسمی و جدید، همواره متزلزل بوده و با چالش‌های امنیتی مواجه بوده است. با اذعان به تأثیر مثبت و منفی عوامل جغرافیایی، در این تحقیق هدف پاسخ به این سؤال بود که عوامل جغرافیایی چه نقشی در ایجاد ناامنی‌ها در عراق و تأثیر آن بر روابط با ایران داشته‌اند؟ در این زمینه با استفاده از مدل دوازده ماده‌ای پیتر هاگت سعی شد که به سؤال فوق پاسخ داده شود و فرضیه پژوهش این بوده است که تقریباً تمامی عوامل ناامنی در عراق و علل تنش‌زای پایدار و ناپایدار در روابط این کشور با ایران از ماهیتی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برخوردار بوده و بسیاری از فاکتورهای مدل هاگت، در این مورد، صدق می‌کنند. نتیجه‌ای که عاید شده، این بود که هرچند شیعیان در حال حاضر، در کشور عراق، قدرت را در دست دارند، اما تنش‌های پایدار در روابط ایران و عراق، عمدتاً ماهیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی دارند که این امر ضرورت توجه به این عوامل توسط تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران را مضاعف می‌کند. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات و داده‌های موردنیاز بر مبنای روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری گردآوری شده‌اند.

واژگان کلیدی: عراق، ناامنی، مدل هاگت، ژئوپلیتیک، ایران، عوامل جغرافیایی

مرادی، جهانبخش؛ حیدری، نصرت اله (۱۴۰۱). بررسی عوامل ناامنی در عراق بر اساس مدل هاگت و تأثیر آن بر روابط با ایران. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۰، صفحات ۵۴-۳۵.

^۱ عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده مسئول) Jmoradi7877@yahoo.com

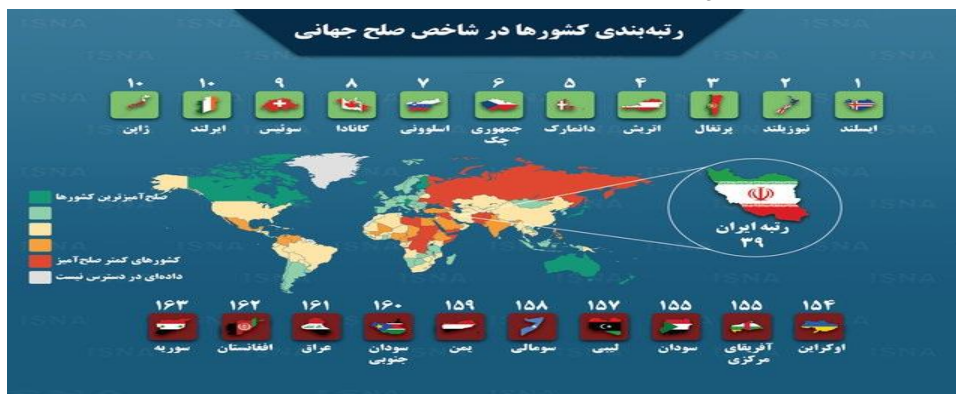
^۲ عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران nosratheidari@gmail.com

مقدمه

از زمان شکل‌گیری دولت‌ها به شکل ابتدایی آن‌ها، یکی از چالش‌های اصلی جوامع انسانی، مقوله امنیت و شیوه‌های تأمین آن بوده است. در این راستا، جغرافیا و تاریخ کشور عراق، باعث ایجاد معضلات و ناامنی‌های عدیده‌ای در این کشور شده است که بررسی و مطالعه دقیق عوامل تأثیرگذار بر این چالش‌ها و تنش‌ها و راه‌حل رفع آن‌ها، جهت مناسبات پایدار به‌خصوص با همسایگانی مانند ایران ضروری است. در واقع، مرزهای عراق، زاییده‌ی تاریخ معاصر آن بوده و عمدتاً تحمیلی هستند و در نتیجه تصمیمات قدرت‌های بزرگ و پیروزی و شکست‌های آن‌ها ایجاد شده‌اند. از سویی، وجود اقوام و اقلیت‌های قومی و زبانی مختلف و حکومت‌های گوناگون با رویکردها و سیاست‌های مختلف، اشکال جدیدی از تنش و منازعه را در این کشور نمایان ساخته که بررسی آن‌ها جهت کاهش زمینه‌های این بحران و کمک به رفع آن‌ها ضروری است.

به‌طور کل، کشور عراق، کشوری است که محصول خواست و اراده‌ی قدرت‌های بزرگ در دوره جنگ جهانی اول و پس‌از آن بوده است. به همین خاطر، طبیعی است که در مرزبندی و تقسیم جغرافیایی آن کمتر به مسائل قومی، مذهبی و فرهنگی توجه شده است و شاید خود قدرت‌های بزرگ خواسته‌اند که همیشه منبع منازعه در این کشور وجود داشته باشد. تحولات و سیاست‌های عراق از ابتدای تشکیل این کشور و خصوصاً بعد از دهه ۱۹۷۰ میلادی نشان می‌دهد که این کشور یکی از ناامن‌ترین کشورهای منطقه و جهان در دهه‌های اخیر بوده است و شاخص‌های جهانی هم این امر را تأیید می‌کنند (شکل ۱). به‌طور کل، می‌توان گفت که عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی به همان اندازه که در افزایش قدرت ملی یک کشور مؤثر هستند، می‌توانند عامل و علت مخاطره و تهدید برای امنیت و منافع ملی یک کشور باشند. لذا در این تحقیق به دنبال این هستیم که علل ناامنی در عراق را بر اساس مدل پیتر هاگت بررسی کرده و میزان همخوانی مدل هاگت را با عوامل جغرافیایی ایجاد تنش در این کشور و تأثیر آن بر روابط با ایران نشان دهیم.

شکل شماره ۱: رتبه‌بندی امن‌ترین و ناامن‌ترین کشورهای جهان



Source: <https://www.eghtesadonline.com>

۱- مرور سوابق مربوطه

علوی پور (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «ژئوپلیتیک عراق و امنیت در منطقه خلیج فارس» معتقد است که سیاست خارجی تهاجمی عراق در دهه‌های گذشته منبث از جغرافیای آن و همواره عامل نگرانی برای کشورهای همسایه آن و همچنین ثبات و امنیت منطقه‌ای بوده است، لیکن صرفاً بسیار مختصر و کلی برخی از عوامل جغرافیایی را مدنظر قرار داده است.

خلیلی و دیگران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مدل‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق»، با تأکید بر تحلیل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در جغرافیای سیاسی ایران و عراق کوشش کرده‌اند تا در قالب مدلی با عنوان مدل تقابل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در جغرافیای سیاسی ایران و عراق، پیامدهای این تقابل و تأثیر آن بر سیاست خارجی دو کشور را تحلیل کنند اما صرفاً به متغیرهای معدودی در این باب اشاره کرده‌اند.

قربانی نژاد و دیگران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «ایران و عراق: تحلیل منابع جغرافیایی تنش در شمال غرب خلیج فارس» به تحلیل عوامل جغرافیایی تنش در شمال غرب خلیج فارس پرداخته و عواملی نظیر مسئله مرزها، قومیت و مذهب، ادعاهای سرزمینی، مرز دریایی در خلیج فارس، حوزه‌های انرژی مشترک، وابستگی هیدروپلیتیکی عراق به ایران را در بروز تنش و منازعه میان ایران و عراق مهم شمرده‌اند، لیکن برخی از متغیرهای جغرافیایی مرتبط با همسایگان دیگر عراق و به‌ویژه ترکیه و سوریه را مورد توجه قرار نداده‌اند.

غلامی و احمدیان (۱۳۹۳) در مقاله با عنوان «ماهیت دولت و امنیت ملی در عراق»، عوامل شکل‌دهنده به کم و کیف معادلات سیاسی و امنیتی عراق امروز را به ترتیب اولویت در سطوح سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بررسی کرده‌اند و بافت اجتماعی و جمعیتی عراق را سبب تداوم بحران‌ها و عامل ناامنی در عراق دانسته‌اند، لیکن به عوامل جغرافیایی به طور خاص و برجسته توجه کافی نداشته‌اند.

رستمی و سفیدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «بررسی علل ظهور و استمرار معمای امنیت در عراق پس از صدام» مدعی هستند که با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳م، واقعیات سیاسی - اجتماعی جامعه عراق بروز و ظهور یافتند؛ بنابراین، برآیند سقوط صدام، به میدان آمدن واقعیات ساختاری جامعه عراق هست که این امر سبب پیدایش وضعیت معمای امنیت در این کشور شده است. در نقد این مقاله می‌توان گفت که بیشتر به عوامل هویتی و قومی - مذهبی توجه کرده و به عوامل جغرافیایی توجه اندکی نموده است.

صادقی اول و نقدی عشرت‌آباد (۱۳۹۵) در مقاله «جغرافیای سیاسی عراق پس از صدام و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» سعی کرده‌اند تا تأثیر دو عوامل متغیر جغرافیای سیاسی عراق یعنی جمعیت و منابع طبیعی در زیرمجموعه برخی متغیرهای امنیتی را در دوره‌ی پس از سقوط رژیم صدام بر امنیت ملی ایران بررسی کنند.

حسین زاده و حاجی یوسفی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «شکندگی دولت و نابسامانی جامعه در عراق؛ بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش» بر آن بوده‌اند که شکندگی دولت از یک‌سو در قالب ۱. مشکلات ناشی از بحران مشروعیت سیاسی نظام فدرال در چالش میان گروه‌ها و جریان‌های سیاسی؛ ۲. ناتوانی اقتصادی کشور در شکل دادن به رفاه اقتصادی و ایجاد توسعه‌ی اقتصادی متوازن و هم‌چنین منازعه بر سر منابع طبیعی کشور و به کنترل درآوردن آن و نیز؛ ۳ ضعف نیروهای نظامی و انتظامی کشور که با شکست در مقابل داعش همراه بود و از سوی دیگر، نابسامانی جامعه در قالب خشونت‌های قومی و مذهبی، زمینه را برای ظهور و گسترش این نیرو در عراق پس از ۲۰۰۳ فراهم نمود. نکته‌ای که در مورد این مقاله نیز وجود دارد این است که کمتر به عوامل جغرافیایی و به‌خصوص متغیرهای موجود در مدل هاگت توجه کرده است.

قربانی نژاد (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین الگوی عوامل ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها» به بررسی عوامل ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها پرداخته، اما مطالعه موردی خاصی انجام نداده است.

حیدری بنی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های بحران ژئوپلیتیکی عراق و تداوم مقاومت ضد ژئوپلیتیکی کردی» که در فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی به چاپ رسیده بر آن بوده‌اند که ژئوپلیتیک تحمیلی قدرت‌های بزرگ پیروز در جنگ جهانی اول به‌خصوص بریتانیا در شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای پسا جنگ جهانی اول، منجر به شکل‌گیری و تداوم

بحران ژئوپلیتیکی در عراق و به‌ویژه مقاومت ضد ژئوپلیتیکی کردی شده است، لیکن تأثیر عوامل جغرافیایی دیگر را مورد توجه قرار نداده‌اند.

در مجموع، با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در ادبیات تحقیق و سایر آثار موجود در باب این موضوع، به نظر می‌رسد هرچند آثار پراکنده‌ای در مورد علل ناامنی در عراق موجود است، اما نوآوری این تحقیق در این است که تاکنون تحقیق جامع و مستقلی که به‌طور مشخص در مورد عوامل ناامنی در عراق بر اساس مدل هاگت صورت گرفته باشد، انجام نشده که این تحقیق به دنبال این مهم بوده است.

۲- چارچوب مفهومی و مدل بحث

از قدیم‌الایام یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع انسانی، مقوله امنیت و شیوه‌های تأمین آن بوده است. امروزه هم یکی از پایه‌های سیاست خارجی و مهم‌ترین نگرانی‌های دولت‌ها مبحث بسیار مهم امنیت ملی و کوشش برای بالا بردن آن است. امنیت ملی به معنی نبود تهدید نظامی و محافظت از کشور در برابر حمله نظامی یا اقدامات واژگون‌سازی از خارج است. از آنجاکه عراق کشوری مهم و دارای اهمیتی فرا منطقه‌ای است و اکثر کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای می‌کوشند در روابط خود با آن به روندی با ثبات و صلح‌آمیز دست پیدا کنند. در این قسمت به دنبال آن هستیم که ضمن بررسی مفهوم امنیت و مسائل مرتبط با آن، مدل نظری تحقیق یعنی مدل پیتر هاگت را ارائه داده و علت انتخاب آن به‌عنوان چارچوب تحقیق را بیان کنیم.

۲-۱- امنیت

واژه امنیت به معنای «ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی»، «ایمنی، آرامش و آسودگی» و «اطمینان و آرامش خاطر» بیان‌شده و در مجموع می‌توان گفت که ریشه امنیت در لغت از امن و ایمنی است که به مفهوم آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است (لطفی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بسیاری از افراد معتقدند مسئله امنیتی هنگامی به وجود می‌آید که شخصی (فرد یا گروه تبه‌کار یا دولت) زندگی، جان یا استقلال دیگران را تهدید کند. امنیت به‌مثابه یک پدیده و تجربه بشری، زمانی به وجود می‌آید که بازیگران مستقل تصمیم بگیرند برای کسب خواسته‌های خود از بازیگران از زور استفاده کنند یا نکنند (کلود زیچ، ۱۳۹۰: ۲۱).

باری بوزان (۱۳۷۸) دیدگاهی میانه درباره امنیت ارائه می‌کند که مفاهیم امنیت از طریق کسب قدرت و امنیت از طریق صلح را در خود جای‌داده است و آن را بهترین تعریف از امنیت می‌داند. وی همچنین امنیت را در سطوح مختلف امنیت فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم می‌کند اما اعلام می‌کند که مرکز ثقل مطالعات امنیتی، امنیت ملی است.

به‌طور کلی در تدوین راهبرد امنیتی، عوامل گوناگونی دخیل هستند که آن‌ها را می‌توان بدین ترتیب ذکر کرد:

۱ - اندیشه و ادراک ذهنی نخبگان و تصمیم‌گیرندگان سیاسی؛

۲ - شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه؛

۳ - نظام بین‌الملل و تحمیلات ناشی از آن؛

۴ - موقعیت ژئوپلیتیکی کشور؛

۵ - اهداف ملی کوتاه‌مدت و بلندمدت (رنجبر، ۱۳۷۹: ۶۴-۶۶).

امنیت ملی دارای دو بعد داخلی و خارجی است که به یکدیگر متصل و مرتبط هستند و از یکدیگر تأثیر و تأثر می‌گیرند.

لذا تلاش برای امنیت ملی و یا گسترش دامنه آن، از مهم‌ترین هدف‌های کشورهای در عرصه روابط بین‌المللی است و برای نیل

به چنین هدفی، اقداماتی مانند برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی، تقویت توان نظامی و دفاعی، جستجوی متحد، بستن پیمان‌های نظامی و همراهی با نظام امنیت جمعی صورت گرفته است. در این راستا، دولت‌ها برای نگرانی از امنیت ملی از شیوه‌های گوناگونی نظیر بازدارندگی، تأمین امنیت دسته‌جمعی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات، مهارت دیپلماتیک، جهت‌گیری مناسب در سیاست خارجی و ایجاد نهادهای فراملی و نیل به همگرایی کمک می‌گیرند. باین‌وجود، مهم‌ترین مسئله در تعیین جهت‌گیری‌های مناسب به‌منظور پاس داشتن امنیت ملی، مقتضیات خاص هر کشور خواهد بود. در این راستا، وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی یک کشور نقش مهمی دارد. لذا در این تحقیق با عنایت به تأثیر عوامل جغرافیایی در ایجاد امنیت و یا ناامنی کشورها، با استفاده از مدل جغرافیایی پیتر هاگت سعی می‌شود که به این مسئله و از این زاویه پرداخته شود.

۲-۲- مدل پیتر هاگت^۱

پیتر هاگت جغرافیدان انگلیسی در یک مدل فرضی ۱۲ عاملی، منابع جغرافیایی تنش یک کشور با سایر کشورها را ارائه و احصا کرده است. این عوامل تنش‌زا، بسته به موقعیت جغرافیایی کشور و چگونگی کارکرد عوامل طبیعی و عملکردهای انسانی می‌تواند در ایجاد بحران در مقیاس ملی و فراملی (منطقه‌ای) نقش‌آفرین باشند و در صورت عدم مدیریت صحیح، منابع جغرافیایی تنش‌زا نه تنها قابلیت‌های کشور را در پیشبرد سیاست‌های کلی و کلان، تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند روابط و مناسبات یک واحد سیاسی را با سایر واحدهای سیاسی به‌ویژه کشورهای هم‌جوار مخدوش سازد. وی در کتاب خود به نام *جغرافیا: ترکیبی نو*، ۱۲ عامل جغرافیایی و محیطی که منجر به ایجاد تنش می‌شوند را برمی‌شمارد (شکل شماره ۲). این عوامل عبارت‌اند از:

۱- کریدور مناسب برای کشورهای محاط در خشکی جهت دسترسی به دریا از طریق خاک کشور همسایه؛

۲- خط آبریز در مناطق کوهستانی؛

۳- رودخانه پرپیچ‌وخم با مرزهای بین‌المللی متغیر؛

۴- عدم توافق در مورد مرز دریاچه و چگونگی بهره‌برداری از منابع آن؛

۵- کنترل آب رودخانه از کشور فرادست؛

۶- گسترش یک گروه قومی به کشور همسایه؛

۷- استقرار گروه‌های اقلیت قومی و نژادی در دو سوی مرزهای بین‌المللی؛

۸- عشایر کوچنده در دو سوی مرزهای بین‌المللی؛

۹- جنبش جدایی طلب داخلی اقلیت قومی خواهان استقلال؛

۱۰- وجود منابع بین‌المللی بااهمیت مثل نفت و گاز؛

۱۱- ادعاهای یک کشور بر سر قلمروهای کشور همسایه برای حفظ جایگاه و منابع منطقه‌ای برتر و حیاتی آن

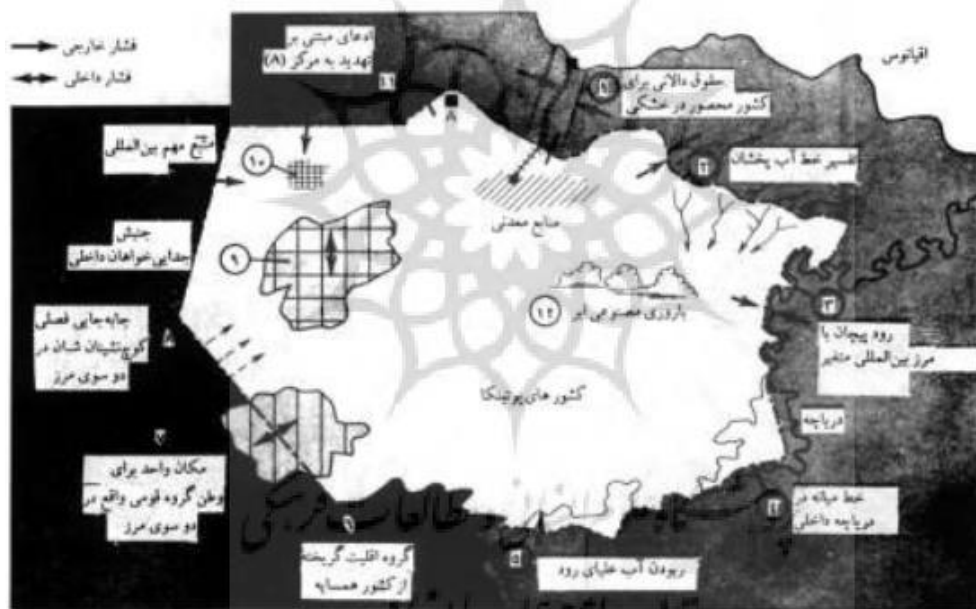
۱۲- باروی مصنوعی ابرها و درگیری‌های قانونی در مورد تلقیح مصنوعی ابرها برای تأمین بارش باران در داخل کشور

و تولید باران در داخل کشور همسایه در نتیجه حرکت ابرها (Haggett, 1972 & 2001: 522-527)

با توجه به آنکه مدل کشور فرضی پیتر هاگت عنوان یک مدل تئوریک جامع در زمینه نقش عوامل ژئوپلیتیک و جغرافیایی در تنش و ناامنی بین کشورها در جهان مطرح بوده و توانایی بیشتری برای تبیین و تحلیل مسائل تنش و ناامنی این کشورها را داشته است، بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان با استفاده از این مدل بسیاری از منابع تنش بین کشورها را از دیدگاه جغرافیایی و ژئوپلیتیک موردبررسی قرار داد. البته هاگت در ابتدا در سال ۱۹۷۲ این مدل را ارائه داد و در چاپ کتاب جدید خود با

عنوان «جغرافیا؛ ترکیبی جهانی» که در سال ۲۰۰۱ میلادی به چاپ رسید بدون هیچ‌گونه تغییر و اصلاحی مدل مذکور را مجدداً ذکر کرده است. وی از منابع جغرافیایی و ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها را در قالب یک مدل تصویری بیان نموده که متضمن کشوری فرضی به نام هایپوتیتیکا است و دارای مجموعه‌ای از وضعیت‌های اختصاصی است که وجود این عوامل در یک کشور می‌تواند در ایجاد تنش و ناامنی مؤثر باشد. در این مدل، ۱۲ منبع جغرافیایی تنش در روابط کشورهای فرضی با یکدیگر بیان می‌شوند که مجموعه مباحث ارائه‌شده در این تحقیق هم نشان می‌دهند که عوامل جغرافیایی نقش غیرقابل‌انکاری در خصوص مسائل امنیتی عراق دارند. این عوامل کاملاً مرتبط با نوع ناامنی‌های سیاسی اقتصادی اجتماعی و حتی زیست‌محیطی هستند. مسئله قابل‌ذکر این است که از ۱۲ عامل موجود در مدل هاگت، اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها هرچند با شدت و حدت کمتر یا بیشتر به‌طور مشخص در عراق دیده می‌شود. حتی موارد دیگر که در حال حاضر وجود ندارند، نیز پتانسیل ایجاد تنش را دارند، ولی در حال حاضر برجسته نیستند.

شکل شماره ۲. مدل فرضی (هایپوتیتیکای) پیتر هاگت



Source: (Haggett, 2001: 522).

۳- تطبیق عوامل ناامنی در عراق با مدل هاگت

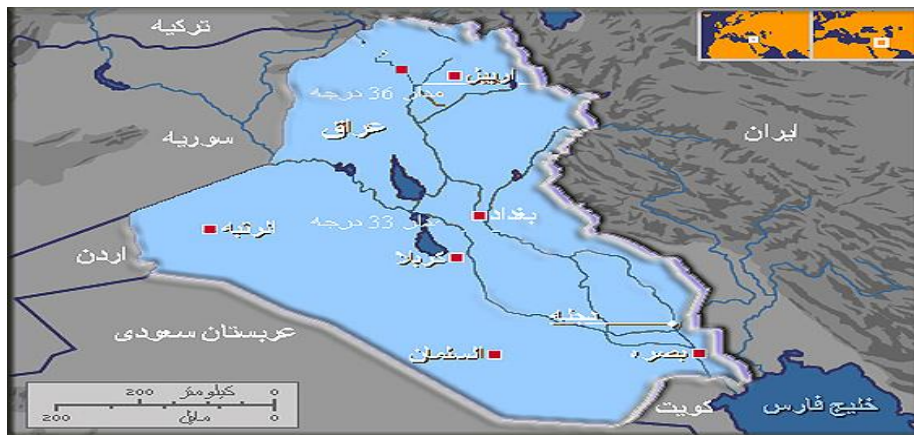
تغییر و تحولاتی که در دهه‌های اخیر در عرصه روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک اتفاق افتاده است، روابط بین دولت‌ها با قدرت‌های مختلف را دچار تحولاتی اساسی کرده و این امکان را فراهم نموده که بسیاری از این جنبه‌ها، مورد بازبینی قرار گیرند و به تبیین علمی و تئوریک آن‌ها پرداخته شود. موضوعات تنش، منازعه و ناامنی در رابطه بین واحدهای سیاسی در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی از قدیم‌الایام محل بحث و تبادل نظر، بین کارشناسان و اندیشمندان رشته‌های مختلف و به‌خصوص، ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل بوده و در این بین جغرافیدان‌ها با تأکید بر مفاهیم مکانی و فضایی و اهمیت دادن به موضوعات سرزمینی به تحلیل عوامل ناامنی و منازعه آفرین در روابط بین دولت‌ها پرداخته‌اند و الگوهای را مطرح کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به مدل کشور فرضی پیتر هاگت که در سال ۱۹۷۲ ارائه شده است، اشاره کرد. وی با تکیه بر ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و انسانی هر کشور در مقایسه با همسایگان آن، به بررسی شرایط بالقوه تنش بین دولت‌های همسایه و موارد

احتمالی منازعه بین آن‌ها پرداخته است. ما نیز در اینجا سعی داریم به تطبیق مدل هاگت با عوامل ناامنی در عراق و سپس تأثیر آن بر روابط با ایران پرداخته و کارایی این مدل را در این مورد بسنجیم.

۳-۱- دسترسی نداشتن به دریا

نخستین عامل تنش و ناامنی در مدل هاگت، محاط بودن در خشکی است. ۴۱ کشور جهان به‌عنوان کشورهای محصور در خشکی وجود دارند که از دسترسی مستقیم به دریا محروم هستند (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۱۰). عراق از جمله کشورهایی است که در دوره بعد از جنگ جهانی اول با تغییر در مرزهای خود به امکانات محدود ساحل دریایی و یا رودخانه‌های قابل کشتیرانی دست‌یافته است (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۱۴)، اما به دلیل اینکه سواحل عراق، شنی و ماسه‌ای هستند، پهلوگیری کشتی‌ها در آن‌ها مشکل است و همین مسئله، زمینه‌ساز تنش‌های بسیاری در روابط عراق با همسایگان و ادعاهای ارضی نسبت به آن‌ها و خصوصاً ایران و کویت شده است و جنگ تحمیلی علیه ایران و حمله عراق به کویت از متفرعات این مسئله بوده است. درواقع، عراق کشوری است که کمترین سواحل (حدود ۴۸ کیلومتر) را در خلیج فارس دارد (شکل شماره ۳) که اغلب سواحل آن عمیق نیستند و در نتیجه برای ایجاد بندرها مناسب و مطمئن، قابل‌استفاده نیستند. بندرهای بصره و ام‌القصر نمی‌توانند پذیرای کشتی‌هایی با ظرفیت بالای ۳۰ هزار تن باشند. بندر فاو هم هرچند در دهانه اروندرود قرار دارد، اما به علت باتلاقی و رسوبی بودن، برای کشتیرانی مناسب نیست. به همین دلیل، عراق اسکله‌های شناور در اطراف این بندر ایجاد کرده است (الهی، ۱۳۸۴: ۱۷۷). این وضعیت برای عراق محدودیت‌هایی ایجاد کرده است و سیاستمداران عراق از ابتدای تشکیل این کشور با شدت و حدت کمتر یا بیشتر در فکر رهایی از این تنگنای ژئوپلیتیکی بوده‌اند و بسیار از سیاست‌های توسعه‌طلبانه روی آورده‌اند که حمله عراق به ایران و کویت نمونه‌هایی از این تفکر بوده است.

شکل شماره ۳. نقشه انزوای ژئوپلیتیکی عراق و میزان دسترسی آن به دریا



Source: <https://www.isna.ir/news/8511-06839/>

۳-۲- خط آبریز در مناطق کوهستانی

مشکل دوم مربوط به خط تقسیم آب یا خط آبریز در مناطق کوهستانی است و یک مشکل هیدرولوژیکی است. گرچه رشته‌کوه به‌عنوان بهترین نمونه مرز طبیعی محسوب می‌شود، اما به دلیل پدیده فرسایش، هرچند در بلندمدت، مکان‌های خط‌الرأس می‌توانند دچار فرسایش شده و بین کشورها مشکل‌ساز شوند (بازدار و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۳-۱۴۸).

درواقع، مرزهایی که از خط‌الرأس یا خط آبریز رشته‌کوه بزرگ عبور می‌کنند، معمولاً بهترین و بادوام‌ترین نوع خط مرزی به شمار می‌روند، چون کوه‌ها نه تنها از نظر نظامی و دفاعی اهمیت دارند؛ بلکه غالباً تعیین آن‌ها روی نقشه در موقع تعیین مسیر مرز، کاری آسان است که بدون اشکال انجام می‌گیرد، لیکن به دلیل آن‌که در بیشتر نواحی کوهستانی دنباله خط‌الرأس طولانی نبوده و درراه‌های عمودی قطع می‌شود و همچنین انطباق خط‌الرأس و خط تقسیم آب با یکدیگر به‌ندرت اتفاق

می‌افتد، علامت‌گذاری خط مرز در نواحی کوهستانی به آن سادگی که در وهله اول روی نقشه به نظر می‌رسد، نیست و در بیشتر مواقع با گرفتاری‌ها و اختلافات سیاسی توأم است (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۶۹). البته این مورد به دلیل آنکه اکثر مرزهای عراق در نواحی پست و بیابانی است، کمتر در ایجاد منازعه مؤثر بوده است.

۳-۳- رودخانه پریچ‌وخم با مرزهای بین‌المللی متغیر

مشکل سوم مربوط به رودخانه پریچ‌وخم یا همان رودخانه‌های مه‌آندری^۱ است؛ یعنی رودخانه‌ای که مدام مسیر خود را تغییر می‌دهد که به دلایلی مانند تغییر مجرای سفلی رود یا چند شاخه بودن مسیر رود و نوسان عرض آن باعث تنش بین همسایگان می‌شوند (بازدار و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۳-۱۴۴). چون رودخانه یک عامل طبیعی و قابل تغییر است، مسلماً نمی‌تواند نقش یک خط ثابت را به‌خوبی ایفا کند، در نتیجه حرکت وضعی زمین و نیروی کورلیوس^۲، حرکت آب در اغلب رودخانه‌ها به صورتی است که بر زمین‌های ساحل یک‌طرف می‌افزاید و از ساحل طرف مقابل کم می‌کند (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۷۰). در این زمینه، اگرچه اروندرود به‌عنوان یک رودخانه پریچ‌وخم نگریسته نمی‌شود (شکل شماره ۴)، اما مشکل تغییر مرز و سواحل دو کشور را در خود دارد.

بنابراین، رودخانه‌ها به دلیل تغییر مسیر، ناپایدارترین نوع مرز طبیعی محسوب می‌شوند (بازدار و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۹). نظر به اینکه طبق پروتکل‌های مرزی در هر موقعیتی که رودخانه با تغییر مسیر روبرو باشد، همان نقطه به‌عنوان خط مرزی محسوب می‌شود (بهنیافر و قنبری، ۱۳۸۹: ۲۰۵)، بنابراین این مسئله می‌تواند باعث تنش‌هایی در روابط همسایگان گردد، چرا که بعضی از رودها در نواحی خشک، گاهی مسیر خود را به‌طورکلی عوض می‌کنند. در نتیجه به علت تغییر محل رودخانه، مرز بین‌المللی هم مرتباً عوض می‌شود. در این ارتباط، اگرچه اروندرود پریچ‌وخم نیست، اما مشکل تغییر مرز و ساحل وجود دارد که می‌تواند باعث اعتراض طرفین گردد. کما اینکه به‌دفعات به‌خصوص از جانب عراق زمینه‌های تنش را در روابط دوجانبه ایران و عراق فراهم کرده است و به همراه فاکتور بعدی بر عمق مشکل افزوده است.

شکل شماره ۴: نقشه‌ی موقعیت و مسیر اروندرود در همسایگی ایران و عراق



منبع: (خدابخشی، خبرگزاری دفاع مقدس، ۲۴ آذر ۱۳۹۸).

۳-۴- عدم توافق در مورد مرز دریاچه و رودخانه‌های مرزی و چگونگی بهره‌برداری از منابع آن

همان‌طور که گفته شد، در اروندرود، رژیم تالوگ طبق معاهده ۱۹۷۵ الجزایر پذیرفته شده است. از معایب خط تالوگ^۳ یا خط‌القدر این است که به این مسئله توجه نمی‌کند که امکان دارد رودخانه در امتداد آبراه‌ای قابل کشتیرانی باشد که لزوماً نشان‌دهنده خط تالوگ نباشد، درحالی‌که میانه کانال ممکن است مرز قانونی را مشخص کند (Prescott & Triggs).

1. Meandering Rivers
2. Corelius
1. Thalweg

(217: 2008) رژیم بعث عراق هم خط تالوگ را قبول نداشت، چرا که معتقد بود که اروندرود یک رودخانه داخلی و متعلق به عراق است و همین مسئله یکی از مهم‌ترین دستاویزهای عراق برای شروع جنگ تحمیلی بود. از طرفی دیگر، با توجه به تغییر عرض اروندرود در فصول بهار و پاییز که بر اساس آن در طول فصل بهار پیشروی می‌کند و در فصول گرم پسروی می‌کند، اگر ادعاهای عراق را بپذیریم، مرز ایران و عراق سالی دو بار تغییر می‌کند که این مسئله چالش‌های بیشتری را ایجاد می‌کند. البته، لایروبی نکردن و فرسایش و حرکت اروندرود حدود نیم مایل در سال به سمت عراق باعث چالش‌های دیگری شده است که حل آن مستلزم همکاری طرفین است (امیری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۲۰).

۳-۵- کنترل آب رودخانه از کشور فرادست

مشکل پنجم به کنترل آب در کشور فرادست مربوط می‌شود، چرا که امکان دارد آب در قسمت بالادست، بیش از حد مصرف یا ذخیره شود و برای کشور پایین است مشکل ایجاد نماید (Haggett, 2001: 525). این مسئله به دلایلی مانند دیدگاه متفاوت نسبت به مالکیت آب (که بعضی آن را میراثی مشترک و بعضی آن را در مالکیت خصوصی خود می‌نگرند)، کمپایی آب و ساختن سدها مربوط می‌شود (Laurie, 2007: 753-907). با توجه به وضعیت پست سرزمین عراق نسبت به کشورهای همسایه، آب کشورهای مثل ایران و ترکیه به سوی آن جریان پیدا می‌کند. به همین جهت نسبت به کنترل آب از سوی این کشورها همواره اعتراض کرده است. کشور عراق در سال ۱۹۶۰ ایران را متهم به برگرداندن آب رودخانه‌های منشأ گرفته از خاک ایران کرد. دو طرف در گذشته همچنین یکدیگر را متهم کردند که با ساختن سد به طرف مقابل زیان وارد کرده‌اند (امیری و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۱۶). به‌طورکلی، رودهای اصلی عراق، عمدتاً سرچشمه خارجی دارند و عراق در پایین‌دست قرار دارد. در اینجا رودخانه‌ای که از کشور فرضی وارد خاک همسایه می‌شود و نحوه تقسیم آب آن می‌تواند تنش‌آفرین باشد که اختلافات عراق، ترکیه و سوریه بر سر استفاده آب رودخانه‌های دجله و فرات مثالی در این مورد است. در این زمینه، «اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه در ۱۵ آبان ۱۴۰۰ سد «ایلیسو» که بر روی رود دجله احداث شده و مانع ورود قریب به ۶۰ درصد منابع آبی به عراق می‌شود را افتتاح کرد (اولی، کرد پرس، ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱) که شکل شماره ۵ به‌خوبی کنترل آب رودهای دجله و فرات و تأثیر آن بر کاهش منابع آب در داخل عراق و همچنین ایجاد تنش در منطقه را به‌خوبی نشان می‌دهد. البته این مسئله بر تغییر اقلیم منطقه و ایجاد منشأهای گردوغبار هم تأثیرگذار بوده که افزایش گردوغبار در ایران و عراق در بهار سال ۱۴۰۱ نیز از نتایج این سیاست آبی ترکیه بوده است.

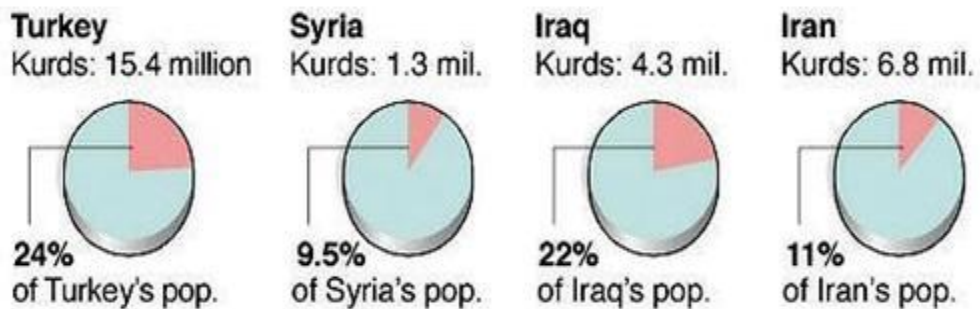
شکل شماره ۵: نقشه مربوط به سرچشمه رودهای دجله و فرات و احداث سد ایلیسو توسط ترکیه



۳-۶- گسترش یک گروه قومی به کشور همسایه

مشکل ششم یک گروه اقلیت قومی یا زبانی هستند که به اکثریت آن‌سوی مرز، علاقه‌مند هستند و تمایل دارند به اکثریت ملحق شوند. در اینجا مردمی که به اقلیت تعلق دارند، میل دارند که به ملتی تعلق گیرند که جزو اکثریت به حساب آیند و در واقع، در تحلیل و تبیین عوامل ژئوپلیتیکی تنش، هاگت عقیده دارد که بیشترین عامل مشکلات ژئوپلیتیکی کشورها ناشی از وجود گروه‌های اقلیت در کشور فرضی است. کشور عراق هم از آنجاکه یک کشور کثیرالاقوام است با این مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ لیکن به دلیل اینکه یک گروه اکثریت که شکل‌دهنده به یک کشور باشند به‌خصوص در مورد کردها که داعیه استقلال‌طلبی دارند در جهان خارج وجود ندارد، مشکل به این صورت نمود پیدا نکرده است، اما به اشکال دیگر، گروه‌های قومی مشکلات و چالش‌های جدی و مهمی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی عراق و ایجاد کرده‌اند که ذیلاً به آن‌ها می‌پردازیم. البته این خواسته‌های تجزیه‌طلبانه علاوه بر چالش‌های امنیتی برای کردهای عراق و خود کشور عراق، برای سایر کشورهای دارای اقلیت کرد و از جمله ایران مشکلات فراوانی ایجاد کرده‌اند که نگارنده ضمن دیدگاه نفی و سلبی به این خواسته‌ها، صرفاً به تحلیل علمی آن‌ها می‌پردازد.

شکل شماره ۶: نقشه پراکندگی جغرافیایی و جمعیتی کردها در منطقه



SOURCE: M.R. Izady, *The Kurds: A Concise Handbook*

www.AP.org

Source: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/04/21/428685>

۳-۷- استقرار گروه‌های اقلیت قومی و نژادی در دو سوی مرزهای بین‌المللی

یک گروه قومی که نیمی از آن در کشور فرضی و نیمی در کشور همسایه است. این گروه در هر دو کشور اقلیت هستند و تمایل دارند که مرزهای سیاسی موجود را تغییر داده و با شکل‌دهی به سرزمین واحد و یکپارچه برای خود دولت مستقلی را

ایجاد کنند که این تمایل می‌تواند باعث ایجاد تنش‌هایی شود. کشور عراق به همین دلیل به واسطه تمایلات استقلال‌طلبانه کردهای منطقه خصوصاً در کشورهای عراق، ترکیه و سوریه و ایران؛ به تشکیل کردستان بزرگ و یکپارچه، کانون تنش‌ها و اختلافات فراوانی در این زمینه بوده است.

هرچند شکل فعلی حکومت در عراق، بر اساس قانون اساسی سال ۲۰۰۵ فدرالیسم است، اما مشکلاتی بر سر راه تحقق کامل فدرالیسم در عراق وجود دارد که به واسطه‌ی وجود گفتمان‌های رقیبی است که در خصوص جایگاه کردستان چه در بین مردم و چه در بین روشنفکران و نخبگان کرد وجود دارد. بر این اساس، می‌توان از سه گفتمان مشخص به شرح ذیل نام برد:

الف: گفتمان فدرالیسم: به دنبال شکست نیروی نظامی عراق از متحدین غربی کویت و استقرار منطقه امن در مدار ۳۶ درجه عرض شمالی جغرافیایی، دولت خودمختار منطقه‌ای کردستان شکل گرفت. این دولت در طول حیات خود از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۰۳، در حوزه‌های مختلفی از جمله حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی امنیتی دستاوردهای مثبتی کسب کرده بود. در همین دوران، در نتیجه اجلاس‌ها و گرد هم‌آیی‌هایی که بین اپوزیسیون عراق و با تلاش‌های آمریکا و انگلیس برگزار شد، فدرالیسم هم در قانون اساسی موقت و هم در قانون اساسی دائم عراق به‌عنوان شکل حکومت آینده عراق پذیرفته شد (مقصودی، ۱۳۸۲: ۸۹-۸۵). لیکن باید گفت که اگرچه فدرالیسم بیشتر در اثر تلاش‌های کردها به ثمر نشست، اما این خواسته غایی آن‌ها نیست؛ بلکه به دنبال این مسئله هستند که از فدرالیسم به‌عنوان گام اول در راستای رسیدن به استقلال کامل بهره ببرند، زیرا تثبیت طرح فدرالیسم زمینه را برای گسترش قدرت کردها و برآورده کردن آرزوی دیرینه آن‌ها جهت کسب مشروعیت جهانی و تشکیل کردستان آزاد آماده‌تر کند (ربانی، ۱۳۸۴: ۸).

ب: ایده‌ی کردستان بزرگ: علاوه بر فدرالیسم و تشکیل دولت مستقل کرد، یک گفتمان بسیار قوی و تاریخی دیگری در بین کردها وجود دارد که معطوف به ایجاد یک کردستان واحد و بزرگ متشکل از تمام اقلیت‌های کرد در ترکیه، عراق، سوریه و ایران است (کوچرا، ۱۳۷۷: ۲۶).

تشکیل کردستان بزرگ به‌عنوان یکی از سیاست‌های ایجاد تفرقه و ناامنی در بین کشورهای منطقه که دارای اقلیت کُرد هستند، تفکری است که قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه برای دستیابی به اهداف خود در پی بهره‌گیری از آن بوده‌اند. درواقع، این تفکر، ایده‌ای است که در یک‌صد سال اخیر بستر و زمینه‌ی شکل‌گیری حرکت‌های قومی در عراق، ترکیه، سوریه و ایران فراهم آورده است. قدرت‌های بزرگ و استعماری با توسل به وجود فقر، محرومیت و نابرابری در به وجود آمدن این حرکت‌های گریز از مرکز و تشدید ناسیونالیسم قومی و حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در بین کردها مؤثر بوده‌اند و چالش‌های فراوانی برای کشورهای دارای اقلیت کرد و از جمله عراق فراهم کرده‌اند (کریمی، ۲۸ خرداد ۱۳۸۶).

بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد یک آرمان سیاسی بزرگ به نام کردستان وجود دارد که از حمایت‌های مادی و معنوی مدیریت خارجی برخوردار است. آن‌ها با پشتیبانی نیروهای خارجی دخیل به دخالت در کشورهای همسایه‌ای می‌پردازند که دارای اقلیت کرد هستند. این مسئله برای جمهوری اسلامی ایران نیز که دارای اقلیت کرد است، خطرناک است؛ زیرا می‌تواند به ایجاد خلل و تضعیف در مشروعیت منجر شود که نتیجه آن تضعیف قدرت ملی و به دنبال آن امنیت و منافع ملی کشور خواهد بود (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۴۲).

ج: دولت مستقل کرد: سومین گفتمان است که در عامل نهم ناامنی به آن می‌پردازیم.

۸-۳- عشایر کوچنده در دو سوی مرزهای بین‌المللی

مشکل هشتم مربوط به تعلیف احشام در دو سوی مرزهای بین‌المللی است که طبق آن عشایر برای چرای دام‌های خود از امتداد مرزهای بین‌المللی عبور کرده و برخوردهایی را هرچند در مقیاس کوچک بین همسایگان ایجاد می‌کند (هاگت، ۱۳۹۱: ۳۷۶-۱۳۷). عشایر کوچنده‌ای که برای چرای دام‌هایشان از مراتع دو سوی مرز استفاده می‌نمایند در مرزهای ایران و عراق هم مشکل‌آفرین بوده‌اند.

البته اختلاف بین عراق و همسایگان در مورد موضوع چرای دام‌ها مشکل جدید نیست این مسئله حتی در دوره حاکمیت دولت عثمانی بر عراق امروز نیز وجود داشته است و یکی از مهم‌ترین علل جنگ‌ها و انعقاد قراردادهای صلح و آتش‌بس بین دولتین ایران و عثمانی بوده است. در این راستا، وضعیت ایلات و عشایر سرحدی و مرزنشین و بیلاق و قشلاق کردن آن‌ها در ولایت‌های مرزی دو کشور که برای استفاده از مراتع بین دو کشور تردد می‌کرده‌اند و برحسب منافع خود مکرراً ترک تابعیت و تجدید تابعیت می‌کرده‌اند، باعث برخورد بین دو کشور می‌شد (پیری و شربتی، ۱۳۹۴: ۴۰-۳۹). به همین جهت، در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در الحاقیه‌ها و موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل همه موارد اختلاف به مسئله تعلیف احشام هم توجه شد (پارسا دوست، ۱۳۶۹: ۴۱۰).

۹-۳- جنبش استقلال‌خواهی اقلیت‌های قومی

مشکل نهم مربوط به استقلال‌طلبی یک گروه قومی است که دایه‌های آن‌ها باعث ایجاد جنبش‌هایی در داخل کشور فرضی شده است. یک گروه اقلیت منسجم در داخل کشور فرضی که خواهان استقلال هستند، حمایت بعضی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از تمایلات استقلال‌طلبانه‌ی این گروه‌ها مشکلاتی را برای کشورها ایجاد می‌کند. کشور عراق از همان ابتدای تشکیل با تمایلات استقلال‌طلبانه‌ی کردها بعد از معاهده سور^۱ مواجه بود. در این بین حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای هم به چاشنی این دایه‌های استقلال‌طلبانه افزوده و بعضی مواقع به‌مثابه کبریتی در انبار باروت بوده است. در حال، کردستان مستقل از عراق چالش‌های داخلی و خارجی زیادی را پیش روی خود دارد. مشکل کشورهای همسایه که دارای اقلیت کرد هستند، مشکل کرکوک، مشکل محصور ماندن در خشکی و توسعه‌ی زیرساخت‌های اقتصادی و شکاف داخلی میان احزاب و گروه‌های کرد (دوهارست، ۱۲ شهریور ۱۳۸۷: ۱-۳) که با وجود این مشکلات، حیات سیاسی و اقتصادی کردستان با چالش‌های بسیار زیادی مواجه خواهد شد و به احتمال قریب به یقین به یک دولت شکست‌خورده^۲ بدل می‌شود.

تحولات بعد از همه‌پرسی ۳ مهر ۹۶ هم نشان دادند که حرکت اقلیم کردستان به سمت استقلال نه مورد قبول کشورهای دارای اقلیت کرد است و نه حکومت مرکزی عراق آن را تحمل خواهد کرد. حتی آمریکا نیز در بیانیه‌ای ضمن غیرضروری خواندن برگزاری این همه‌پرسی مدعی شد که نگران آن است برگزاری این مسئله باعث به حاشیه رفتن اولویت مبارزه با داعش شود و با آنکه به حق قانونی مردم کردستان برای استقلال از عراق اذعان دارد، اما حامی یک عراق فدرال متحد، با ثبات و دموکراتیک است (حاتمی و سانبار، ۱۳۹۶: ۸۷-۸۸).

۱۰-۳- وجود منابع استراتژیک و مهم از لحاظ بین‌المللی در نزدیکی مرز

در اینجا مقصود استقرار منابع مهم بین‌المللی در نزدیکی مرز یا امتدادیافته در دو سوی مرز است که مورد ادعای همسایگان باشد، یعنی مورد تهدید واقع شدن منابع اقتصادی داخل کشور به وسیله همسایگان. به نظر پیتر هاگت این عامل جغرافیایی

1. Sevres

2. Failed State

به‌عنوان یک منبع تنش‌زا بوده و بر روابط کشورها تأثیرگذار است و تأثیر آن به‌صورت فشار خارجی است. با توجه به وجود منابع مشترک و خصوصاً منابع نفتی عراق با کشورهای همسایه مثل ایران و کویت و عراق در این حوزه پتانسیل‌های تنش را داشته که مانند مورد کویت به بالفعل نیز تبدیل شده‌اند. در این راستا، با توجه به بهره‌برداری کویت از منابع نفتی رومیله^۱، ادعا برای عراقی‌ها ایجاد شد و آن‌ها به کویت حمله کردند. البته این یکی از عوامل و علل اصلی حمله عراق به کویت بود و دلایل دیگری مثل تنگناهای ژئوپلیتیکی در عدم دسترسی به دریا، دسترسی به جزایر به وره و بویان کویت و شمردن کویت به‌عنوان استان نوزدهم عراق یکی از دیگر دلایل حمله به کویت بوده است. در این ارتباط، ایران هم به‌خوبی از منابع مشترک خود بهره نبرده و در اکثر میدان‌های انرژی مشترک با همسایگان مغبون بوده است که در شکل شماره ۷ این مسئله به‌خوبی نمایان است.

شکل شماره ۷: جدول میدان‌های مشترک انرژی ایران با عراق و سایر همسایگان و میزان بهره‌برداری هر یک از آن‌ها

مشخصات میدان‌های مشترک ایران و ۸ کشور همسایه			
کشور	برداشت نفتی	برداشت گازی	نتیجه
عراق	ایران در ۷ میدان غرب کارون ۲۳۰ هزار و عراق ۳۰۲ هزار* اما عراق در پایدار غرب ۱۰۴ هزار و ایران ۱۵ هزار* مجموع ایران ۳۳۵ و عراق ۴۰۶ هزار	نامشخص	۱/۲ برابر به نفع عراق
عمان	ایران ۲۸ هزار بشکه* عمان ۱۰ هزار بشکه	نامشخص	۲/۸ برابر به نفع ایران
ترکمنستان	نامشخص	ایران روزانه ۷۰۰ هزار مترمکعب* برداشت ترکمنستان نامشخص	نامشخص
امارات	ایران ۴۱ هزار بشکه* امارات ۱۵ هزار بشکه	ایران ۲۰۰ میلیون فوت مکعب* امارات ۷۰۰ میلیون فوت مکعب	در مجموع ۶ برابر به نفع امارات
کویت	هیچ	کویت‌ها روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب* ایران هیچ	۵۰۰ - هیچ به نفع کویت
آذربایجان	تقریباً هیچ	تقریباً هیچ	برداشت ایران تقریباً هیچ
عربستان	برداشت عربستان ۱۰ برابر ایران* ایران ۴۰ هزار بشکه، عربستان ۴۵۰ هزار بشکه	۳۰۰ میلیون فوت مکعبی عربستان* ایران هیچ	۱۰ برابر به نفع عربستان
قطر	برداشت روزانه ایران ۲۵ هزار بشکه- برداشت قطر ۳۰۰ هزار بشکه	برداشت ایران روزانه ۵۷۵ میلیون مترمکعب و برداشت روزانه قطر ۵۶۶ میلیون مترمکعب*** قطر ۱۱ سال زودتر از ایران شروع کرده و مجموع برداشت گازی اش ۱/۸ برابر بیشتر از ایران است.	۱/۸ برابر به نفع قطر

Source: <https://farhikhtegandaily.com/news/24009/>

۱۱-۳- دعاوی ارضی و مرزی

ادعاهای یک کشور بر سر قلمروهای کشور همسایه برای حفظ جایگاه و منابع منطقه‌ای برتر و حیاتی آن مشکل‌بندی است. در واقع، مشکل یازدهم برعکس مشکل دهم است. در این مورد کشور فرضی دارای چنان موقعیت و قدرت حیاتی نسبت به

3. Rumaylah

هویت و بقای خود است که برای تداوم استثنایی به منظور حفظ این موقعیت آمادگی دارد (هاگت، ۱۳۹۱: ۳۷۷). بر این اساس ادعاهای یک کشور نسبت به خاک و یا آب کشورهای همسایه برای حفظ موقعیت برتر و حیاتی مناطق و منابع مرزی خود مورد توجه است. نظر به این مسئله که منازعات تاریخی بین ایران و عثمانی و سپس بریتانیا در طول دوره استعمار تغییرات فراوانی را در مرزهای این در امپراتوری و ولایت عراق ایجاد کرده است، منازعات مرزی فراوانی در این زمینه وجود داشته است. بعد از شکل گیری کشور پادشاهی عراق در دوره بعد از جنگ جهانی اول، هم این دعاوی تداوم یافتند و زمینه ساز دو جنگ مهم در نیمه دوم قرن بیستم گردیدند.

درواقع، ادعاها و کشمکش های مرزی مهم ترین عامل ایجاد تیرگی روابط سیاسی بین برخی از کشورها بوده است که از جمله آن ها می توان به اختلافات مرزی بین عراق با کویت و عراق با ایران اشاره کرد (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۶۱-۱۶۲) که نقش مهمی در کشاندن عراق به جنگ تحمیلی با ایران و حمله عراق به کویت داشتند.

۱۲-۳- تلقیح مصنوعی ابرها

باروری مصنوعی ابرها برای تأمین بارش باران در داخل کشور و تولید باران در داخل کشور همسایه در نتیجه حرکت ابرها و تأثیر آن در ایجاد تنش در اثر حرکت به سرزمین های کشورهای مجاور، عامل دوازدهم است. تأثیر این عامل در جاهایی که از تکنولوژی تلقیح مصنوعی ابرها برای ایجاد بارش استفاده می شود پدیده ای جدید است و نوعی عامل تکنولوژیکی به حساب می آید. هرچند این عامل به عنوان یک مسئله تنش زا در امنیت عراق نقش کمرنگی داشته است، اما با پیشرفت تکنولوژی در زمینه باروری مصنوعی ابرها این منازعات افزایش خواهند یافت، هرچند به عنوان یک عامل جدید موارد قابل ذکر فراوانی در این زمینه وجود ندارد، باین وجود در صورت اختلال در استفاده از این تکنولوژی می تواند باعث اعتراض کشورهای همسایه و تنش گردد.

از آنجایی که عراق در غرب ایران قرار دارد و با توجه به اینکه در فصول سرد سال، ایران تحت تأثیر بادهای غربی است و شرایط ناپایدار جهت صعود هوا فراهم می آید، رطوبت دریای مدیترانه که از غرب وارد ایران می شود در تمام ایران گسترده می شود و بارندگی های اغلب نقاط ایران را باعث می شود. این رطوبت که توسط موج بادهای غربی به ایران می رسد با توجه به حرکت این ابرها از شرق دریای مدیترانه به سمت غرب ایران در صورت فراگیر شدن تکنولوژی تلقیح مصنوعی ابرها و استفاده کشورهای عربی و خصوصاً عراق از این تکنولوژی به دلیل اقلیم بیابانی و خشک و ممانعت از ورود کامل این توده های باران آور به ایران خواهند شد که این کار اعتراض ایران را به دنبال خواهد داشت (امیری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۲۴) و بالطبع بر امنیت و روابط دو کشور تأثیر منفی خواهد گذاشت.

به طور کل، می توان گفت که منشأ ناامنی ها در عراق عوامل مختلف هستند، لیکن در اینجا صرفاً به عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی تنش و ناامنی در عراق پرداخت می شود. می توان گفت که عوامل جغرافیایی در وجه مثبت باعث تشریک مساعی و موافقت نامه های مشترک بین همسایگان و در وجه منفی باعث تنش و منازعه بین همسایگان می شوند. بزرگ ترین تحولات بشری هم منشأ جغرافیایی داشته اند. جنگ جهانی اول و دوم و بسیاری از جنگ های دیگر بین کشورها و همچنین وارد شدن عراق در دو جنگ ویرانگر با ایران و کویت به طور مستقیم متأثر از عوامل جغرافیایی بوده اند. هرچند اشتباه محاسباتی و بی تدبیری سیاستمداران وقت عراق هم در آن ها بدون تأثیر نبوده است. در واقع، یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی هر کشور، عوامل و وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن کشور است که بر دستیابی به اهداف و منافع ملی و همچنین امنیت ملی کشورها تأثیر گذار است. در این راستا، یکی از نظریه هایی که به نقش عوامل جغرافیایی در علل تنش و ناامنی کشورها پرداخته است، مدل پیتر هاگت است. الگوی هایپوتیتیکا یا کشور فرضی وی هر چند نواقصی دارد، اما مدلی نسبتاً جامع در این باب

است. با نگاهی به نظریه‌هایی که از سوی متخصصان رشته‌های مرتبط با جغرافیا، ژئوپلیتیک، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ارتباط با عوامل ایجاد تنش و ناامنی در روابط و مناسبات بین کشورها می‌شوند به این نتیجه می‌رسیم که در هیچ‌کدام از نظریه‌ها تمام سرچشمه‌های ژئوپلیتیکی تنش بین کشورها به‌طور کامل تبیین نشده و هر یک دارای نواقصی است و صرفاً بخشی از عوامل جغرافیایی تنش را مورد بحث قرار داده و به یک یا چند متغیر این مسئله پرداخته‌اند. لذا به‌عنوان یک الگوی کامل و جامع و مانع نمی‌توان آن‌ها را در نظر گرفت.

لذا باید گفت که بسیاری از ناامنی‌های عراق ریشه در مسائل جغرافیایی و ژئوپلیتیک دارند. البته این موارد فی‌نفسه علت ناامنی‌ها و شرط لازم و کافی وجود ناامنی‌ها در عراق نیستند، اما اگر با شرایط دیگر همراه شوند باعث ناامنی می‌گردند. از سوی دیگر با توجه به اینکه عوامل جغرافیایی از جمله عوامل پایدار و ثابت در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل هستند و در بازه زمانی طولانی تری شکل می‌گیرند، بنابراین تأثیرات مثبت یا منفی بلندمدت‌تری از خود به‌جای می‌گذارند.

پس برای حل و فصل ناامنی‌ها در عراق باید با از بین بردن سایر علل ایجاد ناامنی، تأثیر متغیرهای جغرافیایی را به حداقل رساند. به‌عنوان نمونه، اینکه حضور کردها در شمال عراق یک عامل بالقوه ایجاد ناامنی در عراق بوده است، یک عامل بالقوه و پایدار در ناامنی‌های عراق بوده است، اما این مورد که سیاست برخی از رهبران به‌خصوص در دوره حاکمیت حزب بعث و صدام، عامل ناامنی در روابط با همسایگانی مانند ایران و کویت بوده است، یک عامل ناپایدار ناامنی در عراق است که قابل تغییر است. با این وجود، مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که برای حل و فصل ناامنی در عراق، توجه به منابع جغرافیایی ایجاد ناامنی مهم است که این موضوع می‌تواند راهکار حل و فصل بسیاری از مسائل و مشکلات امنیتی در عراق باشد.

۴- نتیجه

کشور عراق، آن‌طور که تحولات حدود یک سده‌ی اخیر پس از شکل‌گیری این کشور نشان می‌دهد، یکی از کشورهای بی‌ثبات و ناامن در منطقه بوده است. می‌توان گفت که این کشور، خصوصاً در نیم‌قرن گذشته و پس از روی کار آمدن بعثی‌ها در عراق یک مکان ناامن به معنای واقعی کلمه برای زندگی اتباع آن (به‌ویژه اهالی غیر اهل تسنن عرب) در دوره‌ی بعثی‌ها و همچنین عامل ناامنی همسایگان آن (خصوصاً ایران و کویت) بوده است. تعداد زیادی از منازعات و جنگ‌ها در این کشور و در ارتباط با همسایگان آن وجود داشته است. منازعات با ایران و کویت، منازعات بین کردها و حکومت مرکزی، منازعات بین اهل تسنن و تشیع و منازعاتی دیگر از این دست، هنوز در عراق حل و فصل نشده‌اند. حضور آمریکا در عراق، ظهور و افول داعش، استقلال‌خواهی و رفتارندوم کردها بر کشور عراق، سایه ناامنی گسترده است. علت توجه به مسئله امنیت در عراق این است که این کشور با انواع ناامنی مانند ناامنی سیاسی (نظیر وقوع کودتاهای متعدد از ابتدای تشکیل این کشور، بی‌ثباتی حکومت‌ها، وقوع انقلاب کمونیستی عبدالکریم قاسم، افزایش اقدامات تروریستی در دوره بعد از حمله آمریکا به عراق، حضور داعش، دخالت آمریکا و مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران، ترور سردار سلیمانی، مقابله با نیروهای حشدالشعبی و غیره)، ناامنی‌های اقتصادی (بیکاری و فساد گسترده)، ناامنی غذایی (وابستگی به اکثر محصولات استراتژیک مثل گندم، کاهش وسیع تولید خرما و غیره) ناامنی اجتماعی و زیست‌محیطی (مکانیسم نامناسب دفع فاضلاب و آلودگی‌های مختلف، وقوع پدیده خشک‌سالی و افزایش ریز گردها) و غیره مواجه بوده است.

از سوی دیگر، با مطالعه و بررسی مدل فرضی پیتز هاگت که در آن به دوازده عامل جغرافیایی تنش‌زا و منازعه آفرین میان کشورها اشاره شده است و تطبیق آن با علل و سرچشمه‌های ایجادکننده تنش در روابط دو کشور ایران و عراق به این نتیجه می‌رسیم که تقریباً همه عوامل تنش‌زای پایدار و ناپایدار در روابط دو کشور از ماهیتی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برخوردار بوده و ریشه در جغرافیای دو کشور

دارند. موارد اول، سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، نهم، دهم و یازدهم مدل هاگت، یعنی انزوای ژئوپلیتیکی، مرز بین‌المللی رودخانه‌ای متغیر، اختلاف در تعیین مرز دریایی و چگونگی بهره‌برداری از منابع آن، برداشت بیش‌ازحد از قسمت علیای رودخانه توسط کشور فرادست و انحراف مسیر آب، گسترش سرزمینی یک گروه قومی-زبانی به خاک کشور همسایه، استقرار یک گروه اقلیت نژادی و قومی در امتداد دو مرز بین‌المللی، جنبش جدایی‌طلبان قومی در فضای داخلی یک کشور، استقرار یک منبع مهم بین‌المللی در نزدیکی مرز که مورد ادعای همسایگان باشد و ادعای یک کشور به خاک کشور همسایه برای حفظ موقعیت برتر و حیاتی مناطق و منابع مرزی خویش، دقیقاً در زمره سرچشمه‌های ایجادکننده تنش و مناقشه در روابط ایران و عراق به شمار می‌روند.

به عبارتی دیگر، از میان دوازده عامل جغرافیایی تنش‌زا در مدل هاگت، نه مورد در ارتباط با روابط ایران و عراق صدق می‌کند. هرچند که سه عامل دیگر مدل هاگت و به‌ویژه عوامل دوم و هشتم، یعنی اختلاف در نحوه تعیین خط تقسیم آب در مرزهای کوهستانی و تعلیف احشام و جابجایی فصلی کوچ‌نشینان در دو سوی مرز بین‌المللی نیز می‌تواند روابط دو کشور را متشنج کند. باین‌حال، عواملی که ممکن است در روابط دو کشور ایران و عراق تنش و منازعه بیافریند، تنها محدود به این موارد نیست. عواملی نظیر حوزه‌های مشترک انرژی، لایروبی رودخانه مرزی، ورود گردوغبار نشئت‌گرفته از عراق به سمت ایران، مسائل کارکردی مربوط به مرز بین‌المللی دو کشور و تردد غیرقانونی از مرز و ... که همگی این‌ها هم از ماهیتی جغرافیایی برخوردارند ولی در مدل هاگت دیده نشده‌اند، نیز می‌توانند در بروز تنش و منازعه میان دو کشور تأثیرگذار باشد.

به‌طور کل، روابط دو کشور همسایه ایران و عراق در برهه‌های مختلف تاریخی از فراز و نشیب‌های فراوانی برخوردار بوده است. می‌توان گفت که در میان همسایگان، در طی یک‌صد سال اخیر هیچ‌کدام به‌اندازه عراق منشأ ایجاد تنش و مناقشه برای ایران نبوده‌اند. خط گسل فرهنگی آریایی-سامی (فارسی-عربی) که در امتداد مرزهای دو کشور خود را نمایان می‌سازد، با وجود اشتراکات عمده مذهبی، توانسته بر رابطه غبارآلود دو کشور سایه بیفکند و بر سایر عوامل جغرافیایی تنش‌زا در روابط دو کشور نیز تأثیر بگذارد. تعدد بی‌نظیر منابع بالفعل و بالقوه تنش و منازعه برای دو کشوری که دارای ۱۶۰۹ کیلومتر مرز مشترک هستند، باعث آسیب‌پذیری بیش‌ازپیش روابط دوجانبه شده است. در زمانی که قدرت در عراق در اختیار اقلیت عرب سنی این کشور بود، یعنی از زمان تأسیس تا سال ۲۰۰۳ میلادی، رابطه مبتنی بر تنش و مناقشه میان دو کشور به شکل آشکاری قابل مشاهده بود.

امروزه، اگرچه با به قدرت رسیدن شیعیان در عراق مقداری از رابطه متشنج دو کشور در گذشته کاسته شده است و دو کشور به سمت برقراری رابطه‌ای استراتژیک بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک پیش می‌روند، باین‌حال، سرچشمه‌های جغرافیایی پایدار ایجادکننده تنش و منازعه در روابط دو کشور هنوز به قوت خود باقی هستند و با دست‌به‌دست شدن قدرت در یک کشور، تغییر ماهیت نخواهند داد. به عبارتی، هرچند که شیعیان عراق که به لحاظ مذهبی به ایرانیان نزدیک هستند، امروزه قدرت را در دست دارند، ولی تنش‌ها و مناقشات پایدار بین دو کشور که عمدتاً مبنای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی دارند، همچنان از توانایی ایجاد مناقشه در روابط دو کشور برخوردارند و از اهمیت آن‌ها کاسته نشده است. به همین خاطر، سیاست‌گذاران سیاست خارجی ایران در تنظیم رابطه با عراق جدید پس از سقوط صدام، باید همواره این شرایط را در نظر گرفته و بر مبنای آن تصمیم‌گیری کنند.

منابع

- احمدی پور، زهرا، ابراهیم رومینا و داوود کرمانی، (۱۳۸۶)، «تأثیر حکومت اقلیم شمال عراق بر کردستان ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، پیش شماره‌های دوم و سوم، پاییز و زمستان.
- الهی، همایون، (۱۳۸۴)، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: نشر قومس.
- امیری، علی، حمید مستجابی سرهنگی و علی‌رضا محمدیه، (۱۳۹۳)، «نقش متغیرهای ژئوپلیتیکی در چالش مرزی ایران و عراق»، فصلنامه علمی و ترویجی دانشکده علوم و فنون مرز، سال پنجم، شماره ۳، پاییز.
- بازدار شهناز، زهرا پیشگاهی فرد و عبدالرضا فرجی‌راد، (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل جغرافیایی تنش در مرزهای شمالی ایران بر اساس مدل نظری پتر هاگت»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان.
- لطفی، حیدر، محمدحسن نامی، جعفر حسن‌پور و حمید بحیرایی، (۱۳۹۰) «امنیت زیست‌محیطی و سیاست‌گذاری امنیت ملی»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره چهارم. پاییز.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها، هراس*، ترجمه‌ی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- بهنیا، ابوالفضل و هادی قنبرزاده، (۱۳۸۹)، «پیامدهای هیدروپلیتیکی امنیتی تغییر بستر رودخانه‌های مرزی کشور با تأکید بر مدیریت محیط آن‌ها (مطالعه موردی رودخانه هریرود، شهرستان سرخس)»، مجموعه مقالات دومین همایش بازنگری روابط ایران و آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی و چشم‌انداز آینده، دانشگاه فردوسی مشهد، ۴ و ۵ آبان.
- پارسا دوست، منوچهر، (۱۳۶۹)، *ریشه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق*، چاپ چهاردهم، تهران: کیهان.
- پیری، هادی‌مراد و مجتبی شربتی، (۱۳۹۴)، *آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس*، چاپ چهاردهم، تهران: سمت.
- حاتمی، محمدرضا و میکائیل سانیار، (۱۳۹۶)، «همه‌پرسی اقلیم کردستان، منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره دوم.
- حسین زاده، علیرضا و امیرمحمد حاجی یوسفی، (۱۳۹۷)، «شکنندگی دولت و نابسامانی جامعه در عراق؛ بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش» فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۱، شماره ۳۸.
- حیدری بنی، زهره، عزت‌الله عزتی، محمدرضا حافظ نیا و حیدر لطفی، (۱۳۹۸)، «ریشه‌های بحران ژئوپلیتیکی عراق و تداوم مقاومت ضد ژئوپلیتیکی کردی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره سی و هشتم، بهار.
- خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری؛ هادی صیادی و حسین اصغری ثانی، (۱۳۹۲)، «مدل‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۳، پاییز.
- دوهارست، مارک (۱۳۸۷)، «آینده کردستان به کجا می‌رود؟» ترجمه حسین آقاپور، فصلنامه روزف، بهار، تابستان و پاییز، شماره‌های ۸، ۹ و ۱۰.
- ربانی، محمدناصر، (۱۳۸۴)، «فدرالیسم در عراق؛ تهدید یا فرصت»، همشهری دیپلماتیک، شماره شصت و دو، دوازدهم شهریور.
- رستمی، فرزاد و سیامک سفیدی، (۱۳۹۵)، «بررسی علل ظهور و استمرار معمای امنیت در عراق پس از صدام»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۸، بهار.
- رنجبر، مقصود، (۱۳۷۹)، «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۹، تابستان.

- صادقی اول، هادی و جعفر نقدی عشرت‌آباد، (۱۳۹۵)، «جغرافیای سیاسی عراق پس از صدام و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، اولین همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، تهران، مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.
- علوی‌پور، سید محسن، (۱۳۸۸) «ژئوپلیتیک عراق و امنیت در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۵۷، تابستان.
- غلامی، طهمورث و قدرت احمدیان، (۱۳۹۳)، «ماهیت دولت و امنیت ملی در عراق»، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۲، شماره ۸، پاییز.
- قربانی نژاد، ریواز، (۱۳۹۷)، «تبیین الگوی عوامل ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها»، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال سوم، بهار، شماره ۹.
- قربانی نژاد، ریواز؛ هومان شهریور و اسماعیل پارسایی، (۱۳۹۲)، «ایران و عراق: تحلیل منابع جغرافیایی تنش در شمال غرب خلیج فارس»، مجموعه مقالات همایش ملی خلیج فارس، دوره ۹.
- کلودزیچ، ادوارد (۱۳۹۰)، امنیت و روابط بین‌الملل، ترجمه نادر پورآخوندی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- کوچرا، کریس (۱۳۷۷)، جنبش ملی کرد، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، تهران: مؤسسه‌ی انتشاراتی نگاه.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)، «کردستان عراق، چشم‌انداز آینده»، در حسین دهشیار و دیگران (گردآورندگان)، مسائل ایران و عراق، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- میرحیدر، دره، (۱۳۸۴)، مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران: سمت.
- هاگت، پیتر (۱۳۹۱)، جغرافیایی: ترکیبی نو، جلد ۲، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: سمت.

منابع اینترنتی

- اولی، منصور، (۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱)، «سدسازی در ترکیه؛ نفس‌تنگی در غرب ایران / ضرورت اقدامات جدی دیپلماتیک همسایه‌های ترکیه برای جلوگیری از بحران»، *خبرگزاری کردپرس*، در: <https://kurdpress.com/fa/news/32586>
- خدابخشی، مصطفی، (۲۴ آذر ۱۳۹۸)، «آغاز حاکمیت ایران و عراق بر اروندرود»، *خبرگزاری دفاع مقدس*، در: <https://defapress.ir/fa/news/374085>
- کریمی، ایوب (۲۸ خرداد ۱۳۸۶)، «بررسی امنیتی قومیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران» (قومیت کرد- قومیت عرب - قومیت بلوچ)، قابل دسترس در:

<http://www.va.hadith.ir/forum/default.aspx?g=posts &t=1311>.

- Haggett, P. (1972). *Geography: a modern synthesis*. London. Pearson education limited.
- Haggett, P. (2001). *Geography: A Global Synthesis*. London: Prentice Hall.
- Laurie, N. (2007). "Propoor Water? The Privatization and Global of Horizons: Geographical scale in the Poverty Debate", *Special Themed, Issue Geoforum*, 38(5).
- Prescott, V & Trigss, G.D (2008), *International Frontiers and Boundaries Law, Politic and Geography*, leidan & Boston: Martinus Nijhoff publisher.

سایتهای

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/04/21/428685>

<https://farhikhtegandaily.com/news/24009/>

<https://www.eghtesadonline.com>

<https://www.isna.ir/news/8511-06839/>

<https://www.mehrnews.com/news/4966603>